

رأى وحدت رویه شورای عالی ثبت

مهدى كريمپور

مدیر کل امور اسناد و سردفتران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رأی وحدت رویه مورخ ۱۳۶۵/۷/۹ شورای عالی ثبت در خصوص تقسیط

مهریه در سند طلاق بدون صدور قبض اقساطی و تعیین تکلیف پرونده اجرایی

خانمی برای وصول مهریه خود علیه شوهرش مبادرت به صدور اجراییه نموده است مشاژالیهها در تقاضا نامه صدور اجراییه درخواست می نماید که فعلاً برای دریافت طلبش $\frac{1}{4}$ از حقوق ماهانه بدهکار که در بانک اشتغال داشته، کسر گردد. سپس بدهکار در دفتر رسمی طلاق همسر خود را مطلقه نموده و سردفتر طلاق بدون رعایت مقررات در سند طلاق، قید کرده که ماهانه مبلغی از طریق اجرای ثبت به زوج پرداخت گردد. متعاقباً دائن درخواست توقیف مازاد ملک مدیون را نموده است که اجرای ثبت، مراتب بازداشت مازاد ملک را به دفاتر اسناد رسمی تابعه ابلاغ نموده که موضوع مورد اعتراض بدهکار واقع و نامبرده مدعی شده است که با توجه به موافقت بستانکار در سند طلاق، مبنی بر کسر حقوق وی، بازداشت مازاد مورد ندارد.

این اعتراض توسط رئیس واحد ثبتی رسیدگی و نظر داده شده که: «چون سردفتر بدون استعلام نظر از اجراء از بابت مهریه با توجه به نامه شماره $\frac{۱۴۸۶}{۶۳/۳/۲۰}$ آن شعبه عمل نموده و طبق بند ۱۹۰ مجموعه بخشنامه های ثبتی هم اقدام نکرده، موافقت زوجه در مورد وصول مهریه به اقساط ماهانه ۷۱۲۰ ریال در ضمن ثبت سند طلاقنامه شماره ۹۰۸-۱۲/۱۰/۶۳ شماره ۷ اراک به نظر اینجانب مانع از اجرای ماده ۶۳ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی نمی باشد.»

با ابلاغ نظریه مزبور به طرفین و اعتراض نسبت به آن، پرونده در هیأت نظارت مورد رسیدگی قرار گرفته و رأی هیأت نظارت به شرح زیر صادر گردیده است: «با عنایت به اینکه تنظیم سند طلاق با توافق زوج و زوجه انجام یافته و هرچند متن سند

در مورد نحوه وصول مهریه به طور منجز و کامل مشخص نشده، بخصوص اینکه طبق بند ۱۹۰ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا آخر سال ۴۹، چک اقساطی صادر نگردیده، ولی چون در انتهای توضیحات موضوع پرداخت مهریه ماهیانه ۷۱۲۰ ذکر شده، مورد قبول زوجه واقع شده با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی که قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است و نتیجتاً مادامی که از طرف مراجع قضایی اعمال نظر دیگر نشود، به نظر می‌بایست عملیات اجرایی بر مبنای مفاد سند طلاقنامه رسمی عمل گردد. و بدین لحاظ نظریه رئیس ثبت لغو می‌شود و زوجه در صورت لزوم می‌تواند به مراجع ذی صلاح مراجعه نمایند.»

این رأی مورد واخواهی بستانکار قرار گرفته و موضوع در جلسه مورخ ۶۵/۷/۹ شورای عالی ثبت (قسمت اسناد) مطرح و به شرح زیر اتخاذ تصمیم گردید:

«با توجه به اینکه کسر حقوق مدیون توسط بانک بر طبق مقررات پرونده اجرایی بوده و با اعلان نظر به اینکه ظاهراً سردفتر در طلاقنامه جریان پرونده اجرایی مربوط به مهریه را اخبار نموده و به طور کلی مندرجات طلاقنامه فوق حاکی از توافق قطعی طرفین راجع به نحوه وصول مهریه نمی‌باشد به خصوص آنکه قبوض اقساطی نیز که لازمه توافق بوده صادر نشده بنابراین بازداشت مازاد ملک بر طبق پرونده اجرایی و رعایت مقررات مزبور اشکال نداشته و نتیجتاً رأی هیأت نظارت فسخ می‌شود.»

(البرز روایی، حسین آل یاسین، مهدی کریمپور)

اکنون با توجه به جریان امر، توضیحاتی را پیرامون مسأله را ضروری می‌دانند. در ماده ۶۳ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، مقرر گردیده که بازداشت حقوق مانع از آن نیست اگر مال دیگری از متعهد یافت شود، به تقاضای ذی نفع بازداشت گردد و این که هیأت نظارت با تمسک به ماده ۱۰ قانون مدنی که می‌گوید: «ماده ۱۰ - قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» به طوری که محتویات پرونده حکایت دارد، موضوع مهریه و کسر

حقوق مدیون در شرح طلاق آمده است و سردفتر طلاق برای اینکه توافق مزبور ضمانت اجرایی پیدا کند، مکلف بوده به دستور بند ۱۹۰ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا آخر سال ۱۳۴۹ که در آن زمان مقرر بوده و بعداً تحت شماره ۱۶۳ در مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا اول مهر ماه ۱۳۶۵ به همان مضمون آمده که عیناً نقل می‌گردد:

«بند ۱۶۳ - در مواردی که ضمن عقد ازدواج و اجرای طلاق بین زوج و زوجه قراردادی بسته می‌شود که وجهی به طور اقساط تأدیه شود، سردفتران مکلفند برای پرداخت اقساط از قبوض اقساطی رسمی مانند سایر اسناد رسمی استفاده نمایند.»

حال، چون به این تکلیف عمل نشده و به فرض استنکاف شوهر از پرداخت مهر امکان استفاده زوجه از سند طلاق را برای استیفای طلب به لحاظ فوق غیر ممکن می‌ساخته و مضافاً پرونده اجرایی نیز مفتوح بوده است، لذا نظریه هیأت نظارت مبنی بر اینکه: «... زوجه در صورت لزوم می‌تواند به مراجع ذی صلاح مراجعه نماید...»، بی اعتبار کردن پرونده اجرایی است که نیاز به حکم محکمه صالحه دارد.

از این رو، این حق بستانکار است که برای وصول طلب خود به هر طریقی که باشد برابر مقررات آیین نامه اجرایی اقدام نماید. پس ملاحظه می‌شود که رأی شورای عالی ثبت در خصوص فسخ رأی هیأت نظارت، صحیحاً صادر گردیده است.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی